

منبع : حزب کمونیست آلمان

برگردان : داؤد اسعد

سپر جدید راکتها

"گامی به سوی خلع سلاح"؟؟



۲۴/۰۹/۲۰۰۹ : زمانیکه روز پنجشنبه (۱۷/۰۹) رییس جمهور ایالات متحده آمریکا بنخاک سپردن استقرار سیستم های تدافعی راکتها را درپولند وچک اعلام کرد، در ذات خود یک اقدام درخور تقدیر بود. در حال طوریکه فراکسیون پارلمانی "حزب چپها" در همین روز ضمن یک اطلاعیۀ مطبوعاتی هلهله برپا داشت که این تصمیم یک "گامی در راه خلع سلاح است" واینکه اوباما "بعد از وقت ثمرۀ خلع سلاح سیاسی را مستحق شد، آنچه تصاحب آن برایش اندکی بعد از انتخابش بطور پیش پرداخت اهدا می شد"، که این مطلب حتی با گفته های حکومت ایالات متحده آمریکا در مطابقت قرار ندارد.

بارک اوباما در هنگام مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ بدین امر اشاره نموده بود که وی به پلانهای حکومت بووش مبنی بر دفع احتمالی راکتهای ایران واقعی نمیگذارد. این پلانها ایجاد یک پایگاه را در نزدیکی شهرک سلوپسک (پولند) در قدم اول با ۱۰ راکت خنثی کننده تعبیه شده در سیلوها و ایجاد یک دستگاه راهدار مربوط به آنرا در بریدی (چک) تا سال ۲۰۱۵ در نظر داشت. قرارهایی درین زمینه در اگست ۲۰۰۸ در پولند و در جولای ۲۰۰۸ در چک به توافق انجامید- البته در ضدیت با نظر اکثریت مردم، اما با اتکاً به حق طلبی های سیاسی ضد روسی و ضد کمونیستی سمت داده شده از جانب ایالات متحده آمریکا در رابطه با حکومت این دو کشور.

تعداد زیادی از نقطه نظرهای متضاد طرح شده در مورد پایگاه خنثی ساختن راکتها بوسیله حکومت بووش بار گران سیاسی، نظامی و اقتصادی را به دوش حکومت جدید تحت رهبری اوباما می گذاشت. بدین معنی که سیستم قابل کاربرد کاملاً پیچیده بوده و از نگاه تکنالوژی خیلی مشکل تطبیق می گردید. در هر حال راکتهای احتمالی ایرانی چرا از حریم فضایی پولند و چک بطرف ایالات متحده آمریکا پرتاب شوند؟ از نظر سیاسی این موضوع یک تفتین و تهدید در برابر روسیه بود- بخاطر آنکه مؤثریت بیشتر نصیب شد، ممکن بود تعداد راکتهای خنثی کننده را بعداً نیز وسیعاً تزئید بخشید که همه عکس العمل های قبلی و بعدی تصمیم گیرنده گان در پولند و چک آنرا تأیید می نمایند. گذشته ازین این پلانها اتحادیه اروپا و ناتو را دچار انشعاب میساخت، زیرا «دولتهای سابقه دار اتحادیه اروپا» در مورد معضلات جدید با روسیه یا کم علاقه و یا کاملاً بیعلاقه بودند. این موضوع نه بخاطر همکاری در زمینه تمویل انرژی اتحادیه اروپا از جانب روسیه، بلکه همچنان بخاطر همکاری در جنگ افغانستان و بخاطر حفظ نقش تعیین کننده ایالات متحده آمریکا و روسیه با اهمیت بود.

از نگاه اقتصادی تحقیقات، انکشاف و ساختمان سپر راکتها مستلزم مصارف زیادی است که حدود آن نیز تأمین شده نتوانست. و شاید هم کاوشهای جدید خدمات جاسوسی ایالات متحده آمریکا درینمورد که ایران هنوز در عرصه راکتهای میان برد و کوتاه منزل (با اتکا به راکتهای شهاب خویش) کار میکند و در مورد انکشاف راکتهای دور برد سالهای زیاد ضرور، ولی پیشروی اندک متصور است. این مطلب را وزیر دفاع ایالات متحده گیتس، هنگامیکه طرح جدید سپرراکتها را بتاريخ ۱۷/۰۹ به حکومت ایالات متحده توضیح میداد، ابراز داشت.

زیرا در عمل مطلب روی از بین بردن سیستم راکتها نمی چرخد، بلکه جان مطلب صرف در پلانگذاری ایالات متحده آمریکا در راه تحقق سیار، ساده و کمتر ماجرا برانگیز سپرراکتها نهفته است.

در قدم نخست بایست تا سال ۲۰۱۱ سیستم های رایج و در ظرف دو سال بعد سیستم های موجود مدافعوی راکتها در عرشه کشتی های جنگی ایالات متحده در بحیره شمال و بحیره مدیترانه نصب گردند. مربوط به این بخش، سیستم هوشدار و پرتاب راکتها در ایژه، راکتهای مدافعوی نوع اس ام ۳ (راکتهای استندرد ۳)، تأسیسات راهدار و سیستم های فرستنده خطر، میگردند.

تا سال ۲۰۱۵ بایست بعد از آزمایش های همه جانبه دقیق راکتهای اس ام ۳ مدرنیزه شده بر عرشه کشتی ها و مودل استنادی آن در خاک دولت های همسو (پولند، چک، رومانیا، بلغاریا، ترکیه، قفقاز) نصب گردند. ظرفیت راهدارها و سیستم های فرستنده خطر بایست به همان پیمانہ گسترش یابد.

حوالی سال ۲۰۱۸ ایالات متحده آمریکا میخواهد- بعد از آزمایش های همه جانبه دقیق- مودل هنوز مدرن تر اس ام ۳ را در خدمت بگیرد، که هم اکنون به پایه

اکمال میرسد و حوالی سال ۲۰۲۰ باید کار برای استقرار مدل جدید تراس ام ۳ آغاز یابد که میتواند راکت‌های دور برد راهم خنثی سازد.

هکذا رییس جمهور ایالات متحده آمریکا در اظهارات خویش بتاريخ ۱۷/۰۹ تأکید ورزید: " سیستم تدافعی جدید راکت‌های ما در اروپا برای محافظه قویتر، کارآراترو سریعتر نیرو های نظامی آمریکا و متحدین آن مأموریت دارد." وزیر جنگ ایالات متحده گیتس نیز در عین روز به اعلام این خبر پرداخت.

این نقطه نظر هم بدون اهمیت نیست که بوسیله طرح تازه سپرراکتها، میشود معضله نظامی- سیاسی باروسیه فروکش نماید. البته پلانهای ناتو و اتحادیه اروپا زایل نشده است که ساحة حاکمیت شان را با وسایل صلحجویانه گسترش بخشند (اوکرایین، گرجستان، ترکیه و ...)، ولی ضرورت آن احساس میگردد تا در سایر عرصه ها (بارک اوباما به این مطلب چندین بار در صحبت هایش اعتراف نموده است) با همدیگر همکاری نمایند (سلاح اتمی، جنگهای شرق میانه، به اسارت کشیدن ویا مورد توهین قرار دادن ایران).

با همین روحیه منشی عمومی ناتواندرس فوغ راسموسن قبلاً بتاريخ ۱۸/۰۹ مواضع را مشخص ساخته و پیشنهاد کرد: "ما بایستی امکانات آنرا تدارک ببینیم تا در یک مقطع معین زمانی سیستم های تدافعی راکت‌های ایالات متحده آمریکا، ناتو و روسیه را با همدیگر اتصال بخشیم." درین رابطه موصوف به یکی از توافقات قبلی در زمینه مدافعه راکت‌های کوتاه منزل اتکا مینماید. آنچه وی با این مطلب دقیقاً توضیح میدارد، آنرا رهنمون نیز میگردد. منشی عمومی ناتو همکاری نزدیک در جنگ افغانستان، در مبارزه علیه رباینده های دریایی وهمچنان علیه گسترش سلاحهای اتمی را پیشنهاد میکند. نکته آخر خیلی ها عاجل است، زیرا بتاريخ اول اکتوبر مذاکرات جدید درباره برنامه هستوی ایران تدویرمییابد. بعبارۀ دیگرویا بطورخلص

می یابیم: ایالات متحده آمریکا و ناتو که اتحادیه اروپا را از پی می کشانند، میخواهند سیاست روسیه را با میل کامل در خدمت علایق توسعه طلبانه خویش، با مرکز ثقل نوین " منطقه فراهوری شرق نزدیک " وسیله گردند.

درباره پیشنهادات راسموسن مقامات روسیه قبلاً بطور بنیادی عکس العمل مثبت نشان داده اند. ولی اینکه این صورت حساب ایالات متحده آمریکا درین زمینه کاملاً کارا می افتد، بایست در ابتداً به آن به دیده شک و تردید نگریست.

هرگاهی "حزب چپ" چنین سیاستی را به مثابه " گامی به سوی خلع سلاح" استقبال میکند، در آنصورت متأسفانه این حزب بار دیگر با نگرش کودکانه شان درمورد خصلت امپریالیستی ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا وارگان نظامی آن ناتو، قربانی میدهند.

فوتو: میشلیمورگان (اس ام-۳ از کشتی- ایگیس)